

نمود دستوری در گویش لری بختیاری^۱

والی رضایی^۲

استادیار دانشگاه اصفهان

مریم امانی بابادی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه اصفهان

چکیده

این نوشتار با رویکردی توصیفی به بررسی نمود دستوری^۳ در گویش بختیاری می‌پردازد و هدف آن شناخت انواع نمود دستوری، تظاهر واژ-نحوی آنها و تفاوت نمود در این گویش با زبان فارسی است. این پژوهش بر اساس چارچوب نظری کامری^۴ (۱۹۷۶) انجام شده است. داده‌های زبانی از گفتار مردم سالخورده، بی‌سواد و تک‌زبانۀ روستای دهنو در شهرستان کوهرنگ استان چهارمحال و بختیاری به دست آمده است. این افراد، به دلیل اینکه کمتر تحت تأثیر عوامل تغییر زبان قرار گرفته‌اند و نفوذ زبان فارسی در گفتارشان کمتر مشهود است، انتخاب شده‌اند و این امر محققان را در به دست آوردن اطلاعاتی بومی‌تر و خالص‌تر یاری رسانده است. در این راستا، گفتار گویشوران ضبط و گاهی هنگام گفت‌وگو با آنها جملاتشان یادداشت‌برداری شد. این داده‌های زبانی آوانویسی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این گویش ابزارهای بیان انواع نمودهای ناقص^۵، تام^۶ و کامل^۷ مورد تحلیل قرار گرفته و نمود ناقص هم به نمودهای استمرار^۸، عادت^۹ و تکرار^{۱۰} تفکیک شده است. ابزارهای بیان مقلوۀ نمود در این گویش، شکل صرفی افعال در زمان‌های مختلف و افعال کمکی هستند. در گویش بختیاری همانند زبان فارسی تمایز نمودی بین نمود ناقص، تام و کامل به صورت حضور و عدم حضور تکواژ قابل تشخیص است.

واژه‌های کلیدی: گویش بختیاری، نمود دستوری، نمود ناقص، نمود تام، نمود کامل.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۵

vali.rezai@fgn.ui.ac.ir

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۱

۲- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

4. grammatical aspect
4. B. Comrie
3. imperfective
4. perfective
5. perfect
6. progressive
7. habitual
8. iterative

۱ - مقدمه

گویش بختیاری را بر پایه شواهد و معیارهای آواشناختی می‌توان از گروه گویش‌های ایرانی جنوب غربی دانست (اشمیت^{۱۱}، ۱۳۸۲: ۶۳). پژمان بختیاری (۱۳۴۴) پیوستگی این گویش را با زبان پهلوی و تا حدی با زبان پارسی باستان، بیان کرده و می‌نویسد «هنوز اشعار بختیاری رنگ روزگار ساسانی را از دست نداده و به صورت هجایی باقی مانده، مصراعهای دوازده هجایی و بیشتر دارد و...». برخی از پژوهشگران بر این باورند که به طور کلی لری در اصل یکی از لهجه‌های فارسی قدیم بوده است که حدود هزار سال پیش از این زبان جدا شده و سیر تحول جداگانه‌ای را پیموده است (مکینون^{۱۲}، ۲۰۰۲). اما ویندفور^{۱۳} (۱۹۸۹) در رده‌بندی گویش‌های غربی ایران گویش‌های لری را شاخه جداگانه‌ای از گویش‌های ایرانی دانسته است. وجود برخی ناهمانندی‌های بنیادی میان گویش بختیاری و زبان فارسی آغازی نشان می‌دهد که بختیاری نمی‌تواند از لهجه‌های فارسی باشد بلکه خود گویشی است که از فارسی میانه منشعب شده و روند تحول جداگانه‌ای را پیموده است (طاهری، ۱۳۸۹).

پیکره زبانی این پژوهش برپایه اطلاعات بدست آمده از گفته‌های افراد در موقعیت‌های روزمره و واقعی گردآوری شده است. افراد مصاحبه شونده شامل ۲۶ نفر گویشور زن و مرد سالخورده (بالتر از ۶۰ ساله)، تک زبانه و بی‌سواد روستای دهنوی کوه‌رنگ هستند که از کودکی ساکن این منطقه بوده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها، از گویشوران درخواست شد که داستان یا حکایتی را نقل کنند تا آنها را ضبط کنیم و گاه هنگامی که دو یا چند گویشور با هم صحبت می‌کردند گفتگوهای آنها ضبط شده و یا جملات آنها یادداشت می‌شد و سپس در صورت رضایت آنها از فایل‌های ضبط شده استفاده می‌شد. ویژگی این روش این است که می‌توان از اطلاعاتی که در محیطی کاملاً طبیعی به دست آمده بهره برد. بخش اندکی از پیکره زبانی هم از طریق پرسش مستقیم گردآوری شد. مثلاً در صرف برخی از افعال از گویشوران خواسته شد که موارد و جملات خاصی را بیان کنند. بعد از جمع‌آوری داده‌ها مطالب به دقت آوانویسی شد و مورد بررسی قرار گرفت. گرچه یکی از نویسندگان خود

11. R. Schmitt

12. C. MacKinnon

13. G. Windfuhr

گویشور بومی این گویش است و در برخی موارد از شم زبانی خود نیز بهره برده است، اما سعی شده تحلیل‌ها براساس داده‌های جمع‌آوری شده باشد تا از طریق آن بتوان با قاطعیت اظهار نظر کرد. این جستار به دنبال یافتن پاسخ سوالات زیر است. ۱- انواع نمود دستوری در گویش بختیاری کدامند؟ ۲- تظاهر واژ- نحوی نمود در این گویش چگونه است؟ و ۳- تفاوت نمود دستوری در گویش بختیاری و زبان فارسی در چیست؟

۲- پیشینه تحقیق

درباره بررسی نمود دستوری در گویش بختیاری کارهای معدودی صورت گرفته است. طاهری (۱۳۸۹) در کتاب خود به بررسی اجمالی نمود دستوری در گویش بختیاری کوه‌رنگ پرداخته است. وی به انواع نمود در گویش اشاره کرده و اظهار نموده است که در گویش بختیاری فعل دارای نمودهای ساده، استمراری، نقلی (کامل)، در جریان، پیاپی و آغازی است. اما در پژوهش او، کلیت مقوله نمود به صورت یکجا طبقه‌بندی و تشریح نشده است. اما در زبان فارسی و دیگر زبان‌ها این مسأله همواره مورد توجه پژوهشگران و زبان‌شناسان بوده است.

مرعشی (۱۹۷۰) به تجزیه و تحلیل نمود و زمان در سیستم زبان فارسی پرداخته و به این نکته مهم اشاره کرده که مقوله نمود نقش قابل ملاحظه‌ای در نظام فعلی زبان فارسی دارد و بیان کرده است که ساختارهای استمراری در زبان فارسی بوسیله فعل کمکی (داشتن) ساخته می‌شوند. گلفام از بعد همزمانی و از حوزه دستوری و معنایی به نمود در زبان فارسی پرداخته و نمود را این‌گونه تعریف می‌کند: «نمود یکی دیگر از مقولات دستوری است که در ساختار فعل متبلور می‌شود. بطور کلی نمود یک فعل در واقع بازتاب میزان تداوم رخداد فعل در محور زمان است» (۱۳۸۵: ۷۱). وی از لحاظ صوری برای افعال فارسی دو نمود کامل و ناقص قائل است. رضایی (۱۳۹۱) نیز به بررسی نمود استمراری در فارسی معاصر پرداخته است. او ضمن اشاره به پیشینه نمود استمراری در کتاب‌های دستور و آثار زبان‌شناسان، بیان کرده است که پیشوند فعلی «می»، بویژه در زمان حال، به تهنایی نمی‌تواند نشانه استمرار باشد، بلکه این پیشوند در فارسی معاصر علاوه بر استمرار بیانگر مفاهیم دیگر، نظیر نمود ناقص و تکراری نیز هست. کامری (۱۹۷۶) نمودهای فعلی و

مفاهیم آنها را معرفی می‌کند و بر این باور است که مقوله نمود ناشناخته‌تر از دیگر مقوله‌های فعلی چون زمان و وجه است. از نظر او، نمود به شیوه‌های متفاوت، در نگرش گوینده نسبت به ساختار زمانی رخداد فعل مربوط است. وندلر^{۱۴} (۱۹۵۷ و ۱۹۶۷) افعال را براساس ویژگی نمود، به چهار دسته افعال ایستا^{۱۵}، کنشی^{۱۶}، لحظه‌ای^{۱۷} و تداومی^{۱۸} تقسیم‌بندی کرده است. شوپن^{۱۹} (۱۹۸۵) از دیگر کسانی است که از بعد همزمانی به بررسی دستوری و معنایی نمود پرداخته است. وی معتقد است که نمود الگوی تقسیم عمل فعل در بعد زمان است و عمل فعل اشاره به وضعیت ایستا، ادامه حالت فعل، حرکت یا تغییر فعل دارد. او در کتاب خود از دو نمود استمراری و کامل نام برده است. در نمود استمراری، رویداد فعل باید پویا بوده و دارای چارچوب رویدادی باشد در حالی که در نمود کامل، رویداد فعل باید لحظه‌ای باشد و در چارچوب رویدادی جای بگیرد. کاتامبا^{۲۰} و استنهام^{۲۱} (۲۰۰۶) مبحثی را به مقوله زمان و نمود در عبارت‌های فعلی اختصاص می‌دهند. آن‌ها مقوله زمان و نمود را یکی از ویژگی‌های ذاتی فعل می‌دانند. به باور آنان، نمود تعیین می‌کند که عمل فعل در یک رخداد، حالت یا فرایند کامل شده است یا در جریان است.

۳- مبانی نظری

مقوله نمود یکی از مفاهیم دستوری است که در ساختار فعل متبلور می‌شود. به طور کلی نمود یک فعل در واقع بازتاب میزان تداوم رخداد فعل در محور زمان است (گلفام ۱۳۸۵). مقوله نمود، به عنوان یکی از ویژگی‌های فعل، دو گونه تظاهر دارد: واژگانی و دستوری. یعنی، این مقوله مانند بسیاری از مفاهیم دستوری دیگر هم بوسیله تکواژهای دستوری تظاهر می‌یابد و هم به صورت معنایی بیان می‌گردد، که به نمود دستوری و واژگانی جمعاً

14. Z. Vendler

13. static

14. activity

15. achievement

16. accomplishment

19. T. Shopen

20. F. Katamba

21. J. Stonham

نمودینگی^{۲۲} گفته می‌شود. در این پژوهش مقوله دستوری نمود بر اساس چارچوب نظری نمود کامری و معرفی انواع نمود دستوری صورت گرفته است که طبق این چارچوب انواع نمود دستوری به ناقص، تام و کامل تقسیم‌بندی می‌شود و نمود ناقص هم خود به نمودهای استمرار، عادی و تکراری تفکیک می‌شود. این مقوله دستوری، همان گونه که از نامش پیدا است، از طریق کلیه عناصر دستوری مطرح می‌گردد، یعنی نشانه‌ای تصریفی یا یک نقش‌نمای دستوری در ساختمان فعل به کار می‌رود که بیانگر آن نمود خاص می‌باشد.

کریستال^{۲۳} (۱۹۹۲) بر آن است که نمود یک مقوله دستوری است که نشان دهنده طول زمان یا فعالیت زمانی موجود در مفهوم فعل است، مانند تفاوت تمام شدن یا نشدن یک عمل. همان گونه که رضایی (۱۳۹۱) اشاره کرده است، نمود مقوله‌ای دستوری است که بیانگر نحوه انجام گرفتن فعل از نظر شروع، پایان، استمرار، تکرار و یا در جریان بودن است. این مسأله را باید ذکر کرد که زمان و نمود غالباً با هم در عبارتهای فعلی مطرح می‌شوند و کامری (۱۹۷۶) در تعریف زمان دستوری بیان کرده که زمان مقوله‌ای است که ارتباط زمانی میان رخداد فعل و زمان مرجع را بیان می‌کند. کارکرد و نقش نمود در عبارتهای فعلی، موازی و همسو با زمان^{۲۴} و کامل‌کننده معنا و مفهوم زمان است. ابوالحسنی چیمه (۱۳۸۳) بیان کرده است که زمان دستوری و نمود هر دو به زمان اشاره می‌کنند، اما زمان این عمل را به صورت اشاری و برون موقعیتی^{۲۵} انجام می‌دهد؛ حال آن که نمود یک نوع زمان غیراشاری و درون موقعیتی^{۲۶} را نشان می‌دهد. در واقع زمان دستوری رخداد فعلی را به زمان‌های دیگر و اغلب به لحظه گفتگو مربوط می‌کند. در حالی که نمود شیوه‌های متفاوت رویکرد به حوزه زمانی درونی رخداد فعل است. در این جستار بر اساس کتاب کامری به بررسی نمود دستوری و انواع آن و شیوه‌های مختلف بیان آن در گویش بختیاری خواهیم پرداخت.

20. aspectuality

23. D. Crystal

22. tense

23. situation external

24. situation internal

۳- رویکرد کامری

نمود در کنار «زمان» و «وجه» از جمله مقوله‌های مهم دستوری فعل محسوب می‌شود. کامری (۱۹۷۶: ۳) نمود را یک مفهوم گوینده‌بنیاد می‌داند و با پیروی از آراء هولت^{۲۷} در تعریف نمود می‌گوید: «نمود راه‌های مختلف نگرستن به ساختار زمانی درونی یک موقعیت است». او نمودها را راه‌های گوناگون دریافت جریان فرایندها می‌داند. طبق چارچوب نظری او، نمود دستوری به انواع نمودهای ناقص، تام و کامل تقسیم‌بندی می‌شود. وی بر این باور است که نمود ناقص در بردارنده چند نوع تمایز نمودی دیگر است که مهمترین آنها استمراری، عاداتی و تکراری هستند. در ادامه این بخش به توضیح مفاهیم این الگو در گویش مذکور پرداخته شده و تمایزات عمده نمودی در گویش بختیاری و شیوه‌های مختلف بیان آن مورد تحلیل قرار گرفته است، و همچنین یک بررسی اجمالی و مقایسه با زبان فارسی صورت گرفته است.

۳-۱- نمود ناقص

کامری (۱۹۷۶: ۲۴) معتقد است که نمود ناقص به ساختار زمانی و درونی موقعیت اشاره دارد و آغاز و پایان عمل را مورد نظر قرار نمی‌دهد. در نمود ناقص تحقق فعل فرایندی ممتد و نامقید است و در محور زمان گستره‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. در واقع نمود ناقص نشان‌دهنده پویایی و دوام فعل در مقطعی از زمان است. از آنجا که در مورد پایان فعل اطلاعی نمی‌دهد به آن «ناتمام» نیز می‌گویند. در مجموع اگر فعل به عنوان یک فرآیند در حال انجام و بدون نقطه پایانی باشد دارای نمود ناقص خواهد بود. نمود ناقص شامل نمودهای استمراری، عاداتی و تکرار است.

۳-۱-۱- نمود استمراری

کامری (۱۹۷۶: ۲۴) بر این باور است که ویژگی کلی نمود استمراری ارجاع مستقیم به ساختار درونی یک موقعیت است. بر این اساس، تعریف نمود برای موقعیت‌هایی که ساختار درونی ندارند قابل استفاده نیست و باید این نکته را مد نظر داشت که نمود

استمراری با افعال ایستا نظیر افعال حسی و عاطفی و افعال لحظه‌ای همراه نمی‌شود. نمود استمراری نشان می‌دهد که فعل در یک دوره زمانی در گذشته یا حال استمرار (ادامه) داشته است. استمرار بیانگر تداوم و یا در حال انجام بودن یک عمل است (رضایی ۱۳۹۱). بسیاری از دستورنویسان و زبان‌شناسان تعریف دقیق و کاملی از استمرار به دست نداده‌اند و گاهی مفهوم استمرار را با تکرار و عادت خلط نموده‌اند (رضایی ۱۳۹۱).

۳-۱-۲- نمود عادتی

کامری (۱۹۷۶: ۲۷) بیان کرده است که اگر عادت را در مفهوم تکرار در نظر بگیریم و تکرار یک موقعیت و انجام موفقیت‌آمیز چندین مورد از یک موقعیت را عادت بنامیم، باید به این مورد هم توجه داشته باشیم که تکرار شرط کافی برای عادت نامیدن یک موقعیت نیست. چنانچه وقتی موقعیتی دفعاتی چند تکرار شود و سپس تمام موارد این موقعیت به عنوان یک کلیت واحد به حساب آید، گرچه ساختار درونی دارد می‌توان آن را به صورت نمود ساده بیان کرد نه استمراری. بنابراین مفهوم عادت از تکرار متفاوت است. ویژگی رایج کلیه عادت‌ها، گرچه می‌تواند تکرار شونده باشد یا نباشد، این است که موقعیتی را توصیف می‌کنند که مشخصه دوره گسترده‌ای از زمان است. در واقع این دوره آنقدر گسترده است که موقعیت فرض شده به عنوان شاخص فرعی برای آن در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه مسلماً ویژگی کلی دوره زمانی است. برای نشان دادن نمود عادتی هم در گذشته و هم در زمان حال از قیدهای زمان استفاده می‌شود تا ماهیت عادتی عمل نشان داده شود.

۳-۱-۳- نمود تکراری

کامری (۱۹۷۶: ۲۹) اظهار نموده که نمود تکراری یا پیاپی عملی را نشان می‌دهد که پیاپی و به تکرار انجام گرفته باشد و در واقع بر تعداد دفعات عمل اشاره می‌کند و لزوماً بر عادت تأکید ندارد. در زبان فارسی مفاهیم نمود استمراری، تکراری، عادتی و تدریجی از نظر صوری دارای تمایز مشخص نیستند و تمایز آن‌ها صرفاً معنایی است. به باور کامری (۱۹۷۶) نمود استمراری و عادتی و تکرار از هم تفاوت دارند. البته او نشان داده است که هر سه نمود متعلق به طبقه نمود ناقص هستند. بر اساس نظر رحیمیان (۲۰۱۰) هرچند که یکی از ویژگی‌های عادت تکرار است اما باید دانست که هر تکرار بر حسب ضرورت

بیانگر عادت نیست، کما اینکه می‌توان طی مدتی کوتاه عملی را ده‌ها بار تکرار کرد بدون اینکه بیانگر عادت باشد.

۲-۳- نمود تام

طبق چارچوب کامری (۱۹۷۶: ۱۸) زمانی که فعل به صورت کامل تحقق یابد و به اتمام برسد دارای نمود تام خواهد بود. در نمود تام فعل، عمل یا وضعیت مورد نظر به صورت تام مد نظر قرار دارد، یعنی شکل فعل موجب می‌شود تا در ذهن گوینده و شنونده، عمل یا وضعیت مذکور به صورت یک کل واحد و محصور در محدوده روانی خاصی متصور گردد.

۳-۳- نمود کامل

این نمود متفاوت از نمود تام است. کامری (۱۹۷۶: ۵۲) نمود کامل را، از این نظر که به ساخت زمانی درونی رویداد مرتبط نیست، متفاوت از سایر انواع نمود می‌داند و اظهار داشته است که این نمود نشان‌دهنده ارتباط مداوم حال از یک موقعیت گذشته است. نمود کامل بیانگر فعلی است که انجام شده و یا در حال انجام است و نتیجه‌ای را به بار می‌آورد و بین حالت فعل و موقعیت قبلی رابطه برقرار می‌کند. نمود کامل بیان‌کننده ارتباط بین دو نقطه زمانی است، در یک سمت، زمان بیان نتیجه از موقعیت قبلی است و از سوی دیگر زمان آن موقعیت قبلی است. همچنین می‌توان گفت که نمود کامل بیانگر موقعیتی است که در گذشته اخیر اتفاق افتاده است. بدین ترتیب، زمان ماضی نقلی می‌تواند نشان‌دهنده این نمود باشد چون هم در زمان گذشته و هم در نتیجه زمان حال سهیم می‌باشد.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در ادامه مباحث نظری، به بررسی نمود دستوری و نشانه‌های لفظی آن با استفاده از چارچوب نظری کامری (۱۹۷۶)، در گویش بختیاری پرداخته شده و داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است تا پژوهشگر را در رسیدن به پاسخ سؤالات تحقیق رهنمون باشد.

۴-۱- نمود ناقص

در گویش بختیاری قرار دادن تکواژ تصریفی /e/ در آغاز فعل، قبل از ستاک فعلی، بیانگر نمود ناقص است.

- 1) i kor o e-xos-e
 this boy here IMP-sleep-3.SG
 این پسر اینجا می خوابد.

در جمله (۱) آغاز و پایان فعل مد نظر نیست و در مورد پایان فعل اطلاعاتی داده نشده، پس فعل دارای نمود ناقص است. فعل (خوابیدن) در این مثال دارای پیشوند تصریفی /e/ است که دلالت بر نمود ناقص دارد. در گویش بختیاری نمود ناقص قابل تفکیک به نمودهای استمراری، عادتی و تکراری می باشد که در ادامه به بررسی آنها می پردازیم.

۴-۱-۱- نمود استمراری

در گویش بختیاری نمود استمراری از نظر صوری با پیشوند تصریفی /e/ قبل از فعل اصلی، که گاهی در برخی افعال آن را به صورت /i/ هم تلفظ می کنند، همراه می شود و گاهی هم بدون این پیشوند تصریفی (نشانه تهی ظ) به کار می رود که در مثال های زیر مشاهده می شود:

- 2) ba i-al b zi e-ker-d-en.
 Child-PL play PROG- do-PAST-3SG
 بچه ها بازی می کردند.

- 3) ba i-al b zi ker-d-en
 child-PL play do-PAST-3SG
 بچه ها بازی کردند.

فعل «بازی می کردند» و فعل «بازی کردند» در مثال های (۲) و (۳) هر دو به زمان گذشته دلالت دارند و به یک موقعیت در گذشته بر می گردند اما با روشی متفاوت. یعنی، تفاوت *were playing* و *played* به نمود آنها بر می گردد: در *بازی می کردند* موقعیت ذکر شده در طول محور زمان گسترده شده است و استمرار و تداوم عمل در طول یک مقطع زمانی را مشخص می کند، رخداد فعل *بازی کردن* دارای نقطه پایانی مشخصی نیست. اما در دومی (بازی کردند) موقعیت به صورت کلی نگریسته شده است و دارای نمود تام است. در جمله (۲) نشانه نمود استمراری با پیشوند تصریفی /e/ مشخص شده است.

- 4) ho pei ketâv-â-s e-ga t-ø.
 s/he after book-PL-3SG.POSS PROG- look-PAST
 او دنبال کتابش می‌گشت.

در مثال (۴) نحوه انجام عمل به صورت استمرار و تداوم عمل در طول یک مقطع زمانی مطرح شده است. در این جمله نمود استمراری با پیشوند تصریفی /e/ قبل از فعل اصلی e-ga t-ø مشخص شده است و به نمود استمراری گذشته اشاره دارد.

- 5) du e-zan-om si xân.
 yogurt PROG-make-1.SG for khan.
 برای خان دوغ آماده می‌کنم.

در جمله (۵) نمود استمراری با تکواژ تصریفی /e/ مشخص شده است که گاهی این تکواژ به صورت /هم تلفظ می‌شود. در این جمله چون فعل پایان نیافته فعل دارای نمود ناقص است.

- 6) ra-s e ho ø/e-j r-e
 way-3.SG.POSS o.m s/he PROG- find-3.SG
 او راهش را پیدا می‌کند.

در مثال (۶)، نشانه نمود ناقص را می‌توان هم با پیشوند تصریفی /e/ نشان داد و هم بدون این پیشوند. باید در نظر داشت که نمود ناقص در جمله (۶) به صورت غیر گذشته به کار رفته است، در واقع چون فعل به صورت مضارع اخباری بیان شده است، پیشوند تصریفی /e/، بدون اینکه خللی در معنای جمله وارد کند، قابل حذف است. در مثال (۶) نمود ناقص را با نشانه تصریفی /e/ و هم بدون این نشانه می‌توان نشان داد بدون اینکه در معنای جمله از لحاظ اینکه نشان دهنده این نمود باشد خللی وارد کند.

- 7) ho ene oten-e.
 s/he PROG nag-3SG
 او دارد غر می‌زند.

- 8) ho e- ote-ne.
 s/he IMP-nag-3SG
 او غر می‌زند.

ene در واقع نشانه نمود استمراری است که این ادات پیش از مضارع اخباری می‌آید. کاربرد کلمه **ene** که معادل (دارد) در زبان فارسی است، دلالت بر نمود استمراری می‌کند و نشان دهنده کاری است که در جریان است و استعمال این کلمه مؤکد نمود استمراری در جمله می‌باشد. همچنین، وقتی **ene** قبل از فعل قرار می‌گیرد دیگر نیازی به استفاده از پیشوند تصریفی /e/ نیست.

در گویش بختیاری نمود استمراری با تکواژهای **hone/ene/en** نشان داده می‌شود که با فاصله و یا بی‌فاصله پیش از مضارع و یا فعل ماضی قرار می‌گیرند. این ادات گاهی در برخی از مناطق بختیاری به صورت **one** یا **oney** به کار می‌رود (طاهری ۱۳۸۹). فعل در این جملات هم با پیشوند تصریفی /e/ (**e- otene**) و هم بدون این نشانه به کار رفته است (**otene**).

در این گویش نمود استمراری با فعل داشتن نیز همراه می‌شود، که البته باید اذعان کرد که استفاده از این روش شاید تحت تأثیر زبان فارسی و از طریق آن وارد بختیاری شده است. فعل داشتن قبلاً به عنوان یک فعل اصلی در گویش بختیاری به کار رفته و حالا نوعی کاربرد ثانوی به عنوان فعل کمکی استمراری پیدا کرده است و برای بیان استمرار در زمان حال و گذشته به کار می‌رود:

9) **dašt-om** televazon seyl **e-kerd-om** ke fiuz p r-est.
have-1SG television look PROG-do-PAST-1SG that fuse jump-PAST
داشتم تلویزیون نگاه می‌کردم که فیوز پرید.

در مثال (۹) فعل کمکی داشتن همراه با نشانه تصریفی نمود ناقص /e/ قبل از فعل به کار رفته و بدین وسیله بر استمراری بودن آن تأکید شده است. همچنین فعل داشتن می‌تواند بدون پیشوند تصریفی فعل ناقص به کار رود بدون اینکه در رساندن مفهوم نمود استمراری در این جمله ایرادی وارد کند.

10) televazon seyl **e-kerd-om** ke fiuz pjrest .
television look PROG-do-PAST-1.SG that fuse jump-PAST
تلویزیون نگاه می‌کردم که فیوز پرید.

چنانکه در مثال (۱۰) مشاهده می‌شود، می‌توان فعل **داشتن** را حذف کرد، چون نشانه دستوری /e/ قبل از خود فعل اصلی مفهوم نمود استمراری را می‌رساند. پس در مجموع می‌توان گفت در این گویش برای نمود ناقص استمراری فعل **داشتن** را هم می‌توان حذف و هم می‌توان درج کرد. لازم به یاد آوری است که فعل **داشتن** در فارسی نمی‌تواند مستقل از نشانه تصریفی نمود ناقص به کار برود، یعنی این فعل که نشان دهنده استمرار است باید همراه با نشانه (می) به کار رود. اما در گویش بختیاری نشانه تصریفی نمود ناقص /e/ می‌تواند حذف شود، البته در مواقعی که فعل به صورت مضارع اخباری به کار رود و همچنین وجود فعل **داشتن**، نیز می‌تواند نماینگر نمود استمراری باشد.

باید این نکته را نیز خاطر نشان کرد که نمود استمراری آن گونه که در مثال‌های زیر مشهود است وقتی با فعل **daštan** و یا کلمه **ene** همراه می‌شود صورت منفی ندارد:

11) **daštom** televizon seyl **nekerd-om/ni-neja t-om**. *
have-1.SG television look not-do-PAST-1SG / not-look-1SG

کردم. داشتم تلویزیون نگاه نمی‌کردم.*

12) **pâ-s ene takow n-xor-e***
foot-POSS PROG. shake not-move

پاهاش داره تکان نمی‌خوره.*

در جملات (۱۱) و (۱۲) چون در واقع بر استمرار تأکید می‌شود جمله به صورت منفی به کار نمی‌رود. در زبان فارسی هم در صورت منفی شدن جمله غیر دستوری می‌شود: مانند:

(۱۳) دارم نمی‌روم.*

(۱۴) داشتم نمی‌رفتم.*

در جمله (۱۳) فعل اصلی با فعل کمکی **دارم** همراه شده است و نمی‌توانیم صورت منفی این ساختار را قابل قبول بدانیم. پس در این مورد باید اذعان کرد که ساختارهای نمودی که با کلمه **داشتن** در فارسی **daštan** و ادات **ene** در گویش بختیاری همراه باشد

نفی پذیر نیستند. در مجموع می توان گفت نمود استمراری در گویش بختیاری با روش های زیر ساخته می شود:

الف) قرار دادن نشانه تصریفی /e/ که گاهی به صورت /i/ تلفظ می شود در آغاز فعل، قبل از ستاک فعلی؛

ب) بدون نشانه خاص، یعنی نشانه تهی هم از نشانه های آن است، البته وقتی که فعل به صورت مضارع اخباری به کار رود؛

پ) افزودن ادات ene/ hone قبل از فعل اصلی، که برای همه شخص ها یک صورت دارد؛

ت) افزودن فعل معین -dâ ten, dâr قبل از ستاک فعلی که برای همه شخص ها صرف می شود.

پس نشانه های نمود استمرار در گویش هم به صورت پیشوند تصریفی و هم به صورت تکواژ آزاد است که قبل از ستاک فعلی قرار می گیرد.

۴-۱-۲- نمود عادتی

نمود عادتی، که نشان دهنده روزمرگی و عادت است، در گویش بختیاری هم با پیشوند تصریفی /e/ و هم بدون این پیشوند همراه می شود. همچنین وجود کلمه /har/ به همراه قیود زمان می تواند نشانگر نمود عادتی باشد.

15) **har roz pasin e-ro-m neheng aw**
Every day evening IMP-go-1.SG near water

هر روز عصر می روم نزدیک آب.

برای آزمون اینکه نشان دهیم ساخت جمله (۱۵) استمراری نیست و ساخت نمود ناقص عادتی است از فعل کمکی داشتن استفاده می کنیم.

16) **har roz pasin dârom e-ro-m nehenge aw***
Every day evening PROG IMP-go-1.SG near water

هر روز عصر دارم میروم نزدیک آب.*

هرچند این جمله دارای صورت استمراری است، اما از نظر کاربردی و معنایی به هیچ وجه استمراری نیست. این جمله با به کاربردن فعل داشتن (dârom) غیر دستوری شده است و جمله‌ای خوش ساخت محسوب نمی‌شود.

۴-۱-۳- نمود تکراری

نشانه نمود تکراری در گویش بختیاری ادات **hey** است که با فاصله و بی فاصله قبل از فعل می‌آید. این نمود همراه با فعل‌های مضارع اخباری، ماضی ساده و ماضی استمراری به کار می‌رود:

17) ho sow hey ø/e- oten-
s/he morning PROG IMP-nag-3.SG

او صبح مدام غر می‌زد.

مثال (۱۷) عادت (غر زدن) را، که به طور مداوم در یک محدوده زمانی مشخص اتفاق افتاده است، نشان می‌دهد و نشانگر تکرار یک عمل است و نمود تکراری در بافت جمله مشخص شده است. کلمه **hey** مؤکد تکرار است که با پیشوند تصریفی /e/ و هم بدون این پیشوند تصریفی همراه شده است.

18) el kerat be-s e-go-om men gu -es n-ra.
fourty times to-him IMP-tell.PAST-1SG into ear-3SG-POSS not-go-
PAST-3.SG

چهل دفعه بهش می‌گفتم ولی تو گوشش نمی‌رفت.

در مثال (۱۸) تکرار یک عمل (تکرار حرف زدن) نشان داده شده است. به طور کلی تعیین این نوع نمود کاملاً به بافت بستگی دارد، زیرا ساخت صوری فعل به تنهایی نمی‌تواند معنای تکرار و مکرر بودن رخداد فعل را نشان دهد و فقط در قالب بافت تعیین می‌شود و وجود برخی قیدهای تکرار، مانند **kerat** و **hey**، در جمله می‌تواند مؤکد نمود تکراری باشد، چرا که در حقیقت برای نشان دادن این دو نمود عادت و تکراری در گویش بختیاری تفاوت عمده‌ای وجود ندارد. پس در گویش بختیاری پیشوند تصریفی /e/ فقط در ساختار نمود استمراری به کار نمی‌رود، بلکه بر نمودهای تکرار و عادت هم دلالت دارد.

۴-۲- نمود تام

برای نشان دادن نمود تام در گویش بختیاری پیشوند دستوری خاصی موجود نیست، اما برای نشان دادن رخداد فعلی که کاملاً به پایان رسیده است می‌توان از گذشته ساده یا ماضی بعید استفاده کرد.

19) dâ-m no poh-Ø
mother-1.SG.POSS bread bake-PAST.3.SG

مادرم نان پخت.

در مثال (۱۹) که فعل به صورت گذشته ساده به کار رفته است (پخت) و کار و عمل فعل (پختن) به صورت کامل انجام شده نیاز به قید زمان ندارد که مفهوم کامل شدن را برساند و عمل (پختن) به صورت یک عمل غیرقابل تجزیه به ذهن متبادر می‌شود و این می‌تواند بیانگر نمود تام باشد. در واقع موقعیت فعل به صورت کلی نگریسته شده است و آغاز و پایان عمل مد نظر نیست.

20) p l borrh- -m b
money finish-PAST-1.SG was

پول تمام کرده بودم.

در مثال (۲۰) فعل به صورت کامل تحقق یافته است (تمام شدن پول). در واقع فعل در این جمله به صورت کامل در بخشی از محور زمان در گذشته تحقق یافته و فعل جمله مفهوم پایان یافتن را نیز در خود دارد و در این جمله کلمه b نشان دهنده ماضی بعید است.

۴-۳- نمود کامل

در این گویش ساخت‌هایی که گذشته نقلی نامیده می‌شوند دارای نمود کامل هستند.

21) azâ xar-d-om-e
food eat -PAST-1.SG-PERF

غذا خورده‌ام.

در مثال (۲۱) فعل (خوردن) به ساختار کلی موقعیت اشاره می‌کند بدون ارجاع به ساختار درونی آن. با این وجود گوینده موقعیت را به صورت یک کل غیر قابل تجزیه می‌بیند.

22) kâregar-on howe ne râst-ker-d-en-e.
worker-PL house o.m make-do- PAST-PERF
کارگرها خانه را ساخته‌اند.

در این مثال ابتدا، میانه و پایان کار را مد نظر قرار نمی‌دهد و پایان و به نتیجه رسیدن عمل نشان داده شده است. در نتیجه به لحاظ معنا در نمود کامل نحوه انجام عمل با انجام پذیرفتن و به نتیجه رسیدن عمل در گذشته نشان داده می‌شود. فعل‌های نشان دهنده نمود کامل همیشه در زمان گذشته به کار می‌روند. پس نمود کامل هم همانند فارسی نشانه تصریفی خاصی ندارد و این نمود با زمان‌های ماضی نقلی به کار می‌رود.

البته باید دانست که زمان ماضی نقلی تنها یکی از زمان‌های ممکن و مربوط به نمود کامل است که می‌تواند بیان‌کننده ارتباط بین موقعیت حال و موقعیت گذشته باشد و این را هم باید دانست که هر صورتی که به عنوان نمود کامل خوانده می‌شود نباید با یک زمان مشخص در گذشته ذکر گردد. یکی از محدودیت‌های کاربرد نمود کامل در این گویش به کار بردن آن با یک زمان مشخص و دقیق رخداد یا موقعیت است که کاربرد ندارد و جمله غیردستوری می‌شود و در زبان فارسی نیز این محدودیت وجود دارد.

23) sow sât da azâ xar-d-om-e*
morning o,clock ten meal eat-PAST-1SG-PERF
صبح ساعت ده غذا خورده‌ام.*

یکی از ویژگی‌های گویش بختیاری، همانند زبان فارسی، این است که مشخصه‌های تصریفی نمود، زمان و وجه می‌توانند باهم ترکیب شوند و به طور هم زمان بیان شوند.

24) d ruz ra- d-e b -om be ko .

yesterday go-PAST was-1SG to mountain

دیروز به کوه رفته بودم.

در جمله (۲۴) مشخصه‌های زمان گذشته، نمود تام و وجه اخباری، به طور هم زمان بیان شده است.

۵- نتیجه‌گیری

نمود بر روند انجام فعل دلالت دارد، به عبارت دیگر اطلاعات مربوط به کامل شدن، استمرار و تداوم فعل و نظایر آنها به عهده نمود است. پس تفاوت دو فعل که هر دو در گذشته انجام شده ولی نحوه انجام آنها متفاوت بوده در نوع نمودشان است. در پاسخ به سؤال اول تحقیق که در بخش مقدمه ذکر شد، باید اظهار داشت که مقوله نمود در گویش بختیاری دارای انواع ناقص، تام و کامل است. نمود ناقص خود شامل نمود استمراری، تکراری و عادت‌ی است.

در پاسخ به سؤال دوم تحقیق می‌توان بیان کرد که ابزارهای بیان مقوله نمود در این گویش شکل صرفی افعال در زمان‌های مختلف و افعال کمکی هستند. نشانه نمود ناقص در این گویش تکواژ تصریفی /e/ است که قبل از فعل قرار می‌گیرد و نمود ناقص که به نمودهای استمراری، عادت‌ی و تکراری تقسیم‌بندی شد همراه با این پیشوند تصریفی به کار می‌روند. افزودن ادات ene/ hone قبل از فعل اصلی که برای همه شخص‌ها به یک صورت به کار می‌رود از نشانه‌های نمود استمراری است که البته این ادات پیش از مضارع اخباری می‌آید. همچنین، وقتی ادات ene/hone قبل از فعل قرار می‌گیرد دیگر ضرورتی به استفاده از تکواژ تصریفی /e/ برای نشان دادن نمود استمراری نیست. افزودن فعل معین *da ten, dâr-* قبل از فعل اصلی که برای همه شخص‌ها صرف می‌شود از دیگر نشانه‌های این نمود است. پس می‌توان گفت نشانه‌های نمود استمراری در این گویش هم به صورت پیشوند تصریفی و هم به صورت واژه است که قبل از ستاک فعلی قرار می‌گیرد. همچنین، وجود واژه *har* به همراه قیود زمان می‌تواند مؤکد نمود عادت‌ی باشد. نشانه نمود تکراری در

گویش بختیاری ادات **hey** است که با فاصله و بی فاصله قبل از فعل می‌آید. این نمود همراه با فعل‌های مضارع اخباری، ماضی ساده و ماضی استمراری به کار می‌رود. تعیین این نوع نمود کاملاً به بافت بستگی دارد و صرفاً یک امر معنایی است زیرا ساخت صوری فعل به تنهایی نمی‌تواند معنای تکراری و مکرر بودن رخداد فعل را نشان دهد و وجود برخی قیده‌های تکرار مانند **kerat** و **hey** در جمله می‌تواند نمایانگر نمود تکراری باشد. پس در گویش بختیاری تکواژ تصریفی /e/ فقط نشان دهنده نمود استمراری نیست، بلکه بر نمودهای تکراری و عادت‌ی نیز دلالت دارد.

در پاسخ به سؤال سوم، در ابتدا می‌توان بیان کرد که در گویش بختیاری، همانند فارسی، تمایز نمودی بین نمود ناقص، تام و کامل به صورت حضور و عدم حضور تکواژ قابل تشخیص است. در فارسی فعل داشتن، که نشان دهنده استمرار است، نمی‌تواند مستقل از نشانه تصریفی نمود ناقص (می) به کار رود، یعنی این فعل باید همراه با پیشوند (می) به کار رود. اما در گویش بختیاری تکواژ تصریفی نمود ناقص /e/ در افعالی که دارای زمان حال یا مضارع باشند نیز قابل حذف است، بدون اینکه خللی در معنای جمله ایجاد کند. لازم به توضیح است که در گویش بختیاری برای جملاتی که همراه با فعل **da ten** یا ادات **ene/ hone** باشند صورت منفی برای نمود استمراری نداریم و به عبارتی این ساختار نمودی نفی‌پذیر نیست، همانگونه که در زبان فارسی نیز برای نمود استمراری ساختار منفی وجود ندارد. نمود عادت‌ی و تکراری نیز در این گویش با پیشوند تصریفی /e/ و هم بدون این تکواژ تصریفی همراه می‌شود، در صورتی که پیشوند تصریفی (می) در زبان فارسی در نمودهای عادت‌ی و تکراری قابل حذف نیست. در واقع از نظر صوری تفاوت عمده‌ای بین استمرار، تکرار و عادت در گویش بختیاری و زبان فارسی وجود ندارد. برای نشان دادن نمود تام در گویش بختیاری تکواژ تصریفی خاصی همانند نمود ناقص موجود نیست، اما برای نشان دادن آن می‌توان از گذشته ساده یا ماضی بعید استفاده کرد. در واقع فعل‌های نشان دهنده نمود تام همیشه در زمان گذشته به کار می‌روند، که در زبان فارسی نیز به همین

شیوه است. نمود کامل نیز متفاوت از نمود تام است. نمود کامل در گویش بختیاری همانند فارسی نشانهٔ تصریفی خاصی ندارد و این نمود با زمان‌های ماضی نقلی و بعید به کار می‌رود که در زبان فارسی نیز با همین زمان دستوری به کار می‌رود.

منابع

- ابوالحسنی چیمه، زهرا (۱۳۸۳). پژوهشی در فعل‌های نمودی در زبان فارسی. در: مجموعه مقاله‌های ششمین کنفرانس زبان‌شناسی (به کوشش ابراهیم کاظمی)، جلد ۱. تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- اشمیت، رودیگر (۱۳۸۲). نگاهی گذرا به زبان‌های ایرانی باستان. در: رودیگر اشمیت، راهنمای زبان‌های ایرانی، ترجمه آرمان بختیاری و دیگران (صص ۵۹-۶۹). تهران: ققنوس.
- پژمان بختیاری، حسین (۱۳۴۴). بختیاری در گذشته دور. مجله وحید، شماره ۲۸، ۳۱۶-۳۲۱.
- رضایی، والی (۱۳۹۱). نمود استمراری در فارسی معاصر. مجله فنون ادبی، دانشگاه اصفهان، سال چهارم، شماره ۱، ۷۹-۹۲.
- طاهری، اسفندیار (۱۳۸۹). گویش بختیاری کوه‌رنگ. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گلفام، ارسلان (۱۳۸۵). اصول دستور زبان. تهران: سمت.

- Comrie, B. (1976). *Aspect*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Crystal, D. (1992). *An Encyclopedic Dictionary of Language and Languages*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Katamba, F. & J. Stonham (2006). *Morphology*. London: Macmillan.
- Mackinnon, C. (2002). The Dialect of Xorramabad and Comparative Notes on Other Lor Dialects. *Studia Iranica*, 31, 103-138.
- Marashi, M. (1970). *The Persian Verb: A Partial Description for Pedagogical Purposes*. Ph.D. Dissertation, University of Texas at Austin.
- Rahimian, J. (2010). Contrasive Analysis of Aspectual Oppositions in English and Persian. *Iranian Journal of Applied Language Studies*, 2(2), 133-166.
- Shopen, T. (1985). *Language Typology and Syntactic Description*. Cambridge: Cambridge university press.
- Vendler, Z. (1957). Verbs and Times. *Philosophical Review*, LXVI: 143-160.
- Vendler, Z. (1967). *Linguistics in Philosophy*. Ithaca, NY: Cornell.

Windfuhr, G. (1988). Bakhtiari Dialect. In: Encyclopedia Iranica, vol. 3, (pp. 561-599).

